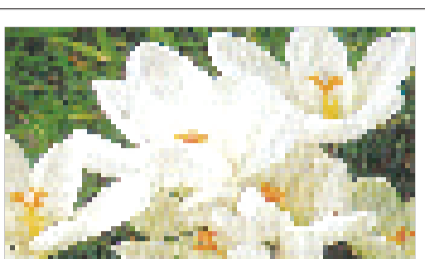


<div><div> </div><div><div>سال نهم</div></div></div>	<div><div> </div><div><div>شماره ۹۸۰</div></div></div>
	
پله های احساس	
	



القبای نوشدن را بیاموزیم!

از این همه نوشتن‌های ساده خسته ام

باید واژه‌هایی متفاوت بیافزینم

می‌خواهم "القبای نوشدن" را تجربه کنم

نه! ۶ شمار دادن را دوست ندارم

از تمام بودن‌هایم دلگیرم ، سخت!

درد ندانستن و دانسته نشدن ؛

این درد را خوب می‌شناسم

کاپوس این ندانستنها ، آرام را ربوده!

... و پاروی تمام رویاهایم می‌گذارم

تا از این ندانستن‌ها راهایی یابم

باید به سوی "رهِیدن" اوج گیرم

از رخوت صبح‌هایم کلاشه ام

و از همه نرسیدن‌هایم ، بریده‌ام!

... داشت یادم می‌رفت

به maryam قبول داده ام fine تماش کنم

می‌خواهم به زینق‌ها ببیندیشم ،

به راز رگی‌گ‌ها و شگفتن‌ها

اصلا نباید افکار کلنگی ام را نوسازی کنم

باید "پرونده پرواز" را به جریان ببیندازم

آه! تلنگری پر روح ، دلتنگش شدم

باید به سرایش بروم

... و حال روی صندلی زیر سایه یک درخت نشست‌ام

پلنکهایم را روی هم می‌گذارم،

در حالیکه PS موفقیت را در دهنم مرور می‌کنم

تو هم مرور کن "توی همه‌ی فصلها خودت باش"

همین!

که زهرا بیگلری(غریبه)

دکتر طاهره صفارزاده شاعر ، نویسنده، محقق و مترجم در ۲۷ آبان ۱۳۱۵ در سیرجان در خانواده‌های متوسط که پیشینه‌ای عرفانی داشتند متولد شد . در ۶ سالگی تجوید و قرآنت و حفظ قرآن را در مکتب محل آموخت . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان گذراندید . نخستین شعر را در ۱۲ سالگی سرود که نقش روزنامه دیواری مدرسه‌شد .

اولین جایزه شعر را که یک جلد دیوان جامی بود در سال چهارم دبیرستان به پیشنهاد دکتر باستانی پاریزی که آن زمان از دبیران دبیرستان بهمین یار بود ، از رئیس آموزش و پرورش استان دریافت کرد .

نزد ملت ایران شهرت طاهره صفارزاده با شعر "کودک قرن" پدید آمد . در امتحان ورودی دانشگاه در رشته های حقوق ، زبان و ادبیات فارسی، و زبان و ادبیات انگلیسی قبول شد و چون تردید در انتخاب داشت خانواده اش به استخاره رجوع کردند و در نتیجه در زبان و ادبیات انگلیسی لیسانس گرفت .

مدتی به عنوان مترجم متون فنی در شرکت نفت کار کرد و چون به دنبال یک سخنرانی در اردوی تابستانی فرزندآن کارگران مجبور به ترک کار شد، برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا رفت.

در دانشگاه آیوا، هم در گروه نویسندگان بین المللی پذیرفته شد و هم به کسب درجه MFA نایل آمد . MFA .درجه ای مستقل است که به نویسندگان و هنرمندانی که داوطلب تدریس در دانشگاه باشند اعطا می شود و نویسندگان به جای محفوظات و تاریخ ادبیات به آموختن نقد به صورت تئوری و عملی و انجام پروژه های ادبی متنوع مطالعات وسیع درباره آثار نویسندگان و شاعران می پردازند. دوره آن یک سال بیش از فوق لیسانس است و استخدام دارنده این مدرک در دانشگاه های آمریکا با پایه دکتری انجام می پذیرد.

طاهره صفارزاده برای دروس اصلی "شعر امروز جهان" ، "نقد ادبی" و "نقد عملی ترجمه" را انتخاب کرد و در مراحبت به ایران اگرچه به دلیل فعالیتهای سیاسی در خارج ، مشکلاتی برای استخدام داشت اما چون در کارنامه اش از ۴۸ واحد درسی ۱۸ واحد ترجمه ثبت شده بود و کمبود و نبود استاد ترجمه برای رشته های زبان خارجی باعث گدنگدگی گروه های زبان بود . در سال ۱۳۹۴ با استخدام او در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) موافقت گردید.

دکتر طاهره صفارزاده پایه گذار آموزش ترجمه به عنوان یک علم و برگزارکننده نخستین "نقد عملی ترجمه" در دانشگاه های ایران محسوب می شود .

اگر چه سابقه برگردان آثار ادبی و مذهبی به ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می رسد اما تا اوایل سالهای ۱۹۶۰، ترجمه، حرفه‌ای نوقی و غیر آکادمیک به شمار می رفت و تدریس آن به برنامه های آموزشی دانشگاه های مغرب زمین راه نیافته بود. دانشگاه آیوینا به درخواست شاعران و نویسندگان کارگاه نویسندگی، اولین مرکزی بود که به گنجاندن این درس در برنامه آموزشی رشته های زبان و ادبیات اقدام ورزید. صفارزاده حدود ۳ سال بعد در کنار نویسندگان دانشجو به بهره مندبهایی از این آموزش

روی خط نو یا ؛

طاهره صفارزاده



جدید دست یافت .

در کلاس به سبب تنوع زبانهای خارجی در بین شرکت کنندگان، بررسی متون ترجمه شده، در سطح صحت و بلاغت زبان انگلیسی، فارغ از مقایسه با متن اصلی از سوی استاد انگلیسی زبان انجام می شد که در عین حال امری اجتناب ناپذیر بود. اما

صفارزاده از ابتدای تدریس خود در ایران متدی مبتنی بر شناخت و تطابق مفهومی، دستوری و ساختاری دو زبان میدا و مقصد ابداع کرد و این شیوه پیشنهادی در درسی که سابقه ی تدریس قانون مند نداشت نزد بسیاری از همکاران وی الگو قرار گرفت .

پس از انقلاب اسلامی تعیین کتاب " اصول و مبانی ترجمه" اثر وی به عنوان کتاب درسی در زمینه شناخت نظریه را و نقد عملی ترجمه به ویژه برای دانشجویان رشته ای "ترجمه مفید افتاد.

طاهره صفارزاده در زمینه شعر و شاعری نیز به دلیل مطالعات و تحقیقات ادبی به معرفی زبان و سبک جدیدی از شعر با عنوان شعر "طنین"

<div><div> </div><div><div>طاهره صفارزاده در زمینه شعر و شاعری</div></div></div>
نیز به دلیل مطالعات و تحقیقات ادبی به معرفی زبان و سبک جدیدی از شعر با عنوان شعر "طنین"
توفیق یافت که در آغاز بسیار بحث برانگیز شد زیرا شعر مقاومت و طنز سیاسی، حکومت پسند نبود . سرانجام در سال ۵۵ به اتهام نوشتن شعر مقاومت دینی از دانشگاه اخراج و برای دومین بار به خانه نشینی و فراغت اجباری رفت

بعد از دست اندرکاران و مسئولان فرهنگی و هنری انقلاب شدند.

دکتر طاهره صفارزاده پس از انقلاب از سوی همکاران خود در دانشگاه شهید بهشتی به عنوان رئیس دانشگاه و نیز رئیس دانشکده ادبیات انتخاب شد. همزمان با سرپرستی دانشکده ادبیات "طرح بازآموزی دبیران" را به اجرا در آورد. در سال ۵۹ پیرو نشر مقالات انتقادی او درباره آموزش زبانهای خارجی در ایران از سوی ستاد انقلاب فرهنگی برای مسئولیت برنامه ریزی زبانهای خارجی از وی دعوت به عمل آمد.

در این مسئولیت با همکاری استادان باتجربه تغییرات مفیدی در برنامه ها پدید آورد و پیرو طرحی که از سوی او تقدیم ستاد انقلاب فرهنگی گردید و به تصویب رسید برای نخستین بار برای کلیه رشته های علمی دانشگاه ها کتاب به زبانهای انگلیسی، فرانسه، آلمانی و روسی تألیف شد که این امر در آموزش علوم و پژوهش های علمی در سالهای بعد از انقلاب بسیار مؤثر بوده است.

وی حدود ۱۶ سال سرپرست اجرایی طرح بود و ۱۲ سال از آن مدت را به ویژه علاوه بر سرپرستی به ویراستاری متون علمی برای کتابهای زبان تخصصی مشهور به کتابهای " سمت" فعالیت مؤثر داشت.

۳۶ عنوان از آن کتابها برخوردار از ویراستاری دکتر طاهره صفارزاده است.

خانه نشینی سوم در پایان این مدت، به پرداختن تمام وقت به ترجمه قرآن حکیم به زبانهای فارسی و انگلیسی انجامید. او از این خانه نشینها و فراغتهای ناخواسته همواره به عنوان الطاف بزرگ الهی یاد کرده و خداوند را سپاس گفته است.

دکتر صفارزاده تئوریا و فکراهی ارزنده ای در زمینه نقد ادبی، نقد ترجمه و ترجمه تخصصی به جامعه ادبی و علمی عرضه کرده است.تئوری "ترجمه تخصصی" که تأثیر آن توفیق در آموختن رشته های مختلف علمی به سبب تمرکز ذهن بر روی واژگان تخصصی است، به تأیید متخصصان مغز و اعصاب رسیده است.

تئوریهایی "معادل یابی واژگان تخصصی جهت تأمین هدف آموزشی ذکر شده ، از سوی مؤلفان در کلیه کتابهای زبان تخصصی گنجانده شده است. در "فستووال بین المللی داکا" در سال ۶۷ وی به عنوان یکی از ۵ عضو بنیان گذار کمیته ترجمه آسیا برگزیده شد .

روزنامه سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی ، ورزشی

<div><div> </div><div><div>ظهور</div></div></div>

پله های احساس

انتظار سبز

■ روزها و شب ها را به امید آمدنت لحظه شماری می‌کنم ، وقتی بیانی‌خانه را برایت آب و جارو خواهم

کرد و با زمزمه های دعای ندبه پنجره را به سوی صبح

بهاری خواهم گشود و تمام گلدلنهای کوچک شمعدانی را

آب خواهم داد و بی‌قراری همه وجودم را می‌گیرد و به

باد خواهم گفت صدرا تا دور دستها ببرد و روح و جامد

را خالی از گناه می‌کنم و عطر وجودت را همه جا احساس

می‌کنم و آسمان آبی نیلگون را بمن نشان خواهی داد

آسمانی که حتی لکه ای ابر تیره در آن نیست و از باغ

آسمان ستاره خواهم چید و آنرا در دستهای من قرار

خواهی داد . مهدی جان از آن به بعد هر شب برایت لالائی

عشق و محبت را خواهم خواند اما افسوس همه اینها

در خواب و خیال است و ساعت ها به سرعت می‌گذرد و

به غروب جمعه بیشتر نزدیک می‌شویم . غروب جمعه

دیگر و پر از اشک و آه است چون از صبح منتظر عزیز

بودیم ولی چه هنز انگیز است این جمعه هم تو یامدی

و دل ما را باز بی‌قرار تر کردن تا جمعه دیگر به

امید آمدنت به انتظار می‌مانیم تا شاید بیایی و مرا

به کالسکه زرین تا سرزمین زیبایی عشق همراهی

کنی .

<div><div> </div><div><div><i>که عبدالعصین اسد پور</i></div></div></div>

آیا می‌دیدید که ..

■ **آیا می‌دانید عدد ۱۹ به خط فارسی ، عربی،**

انگلیسی و... با کمی اختلاف شباهتی مانند هم نوشته می‌شود .

■ **آیا می‌دانید مهریه اکثر زنان در شهرستان بندرلنگه ۱۹ مطلقا طلاست .**

■ **آیا می‌دانید طلای زینتی تا ۱۹ مطلقا زکات سالیانه شامل آن نمی‌شود .**

■ **آیا می‌دانید عدد ۱۹ در بازی چکل کلاه ایران می‌شود .**

■ **بندرلنگه- علی مصنی زاده**

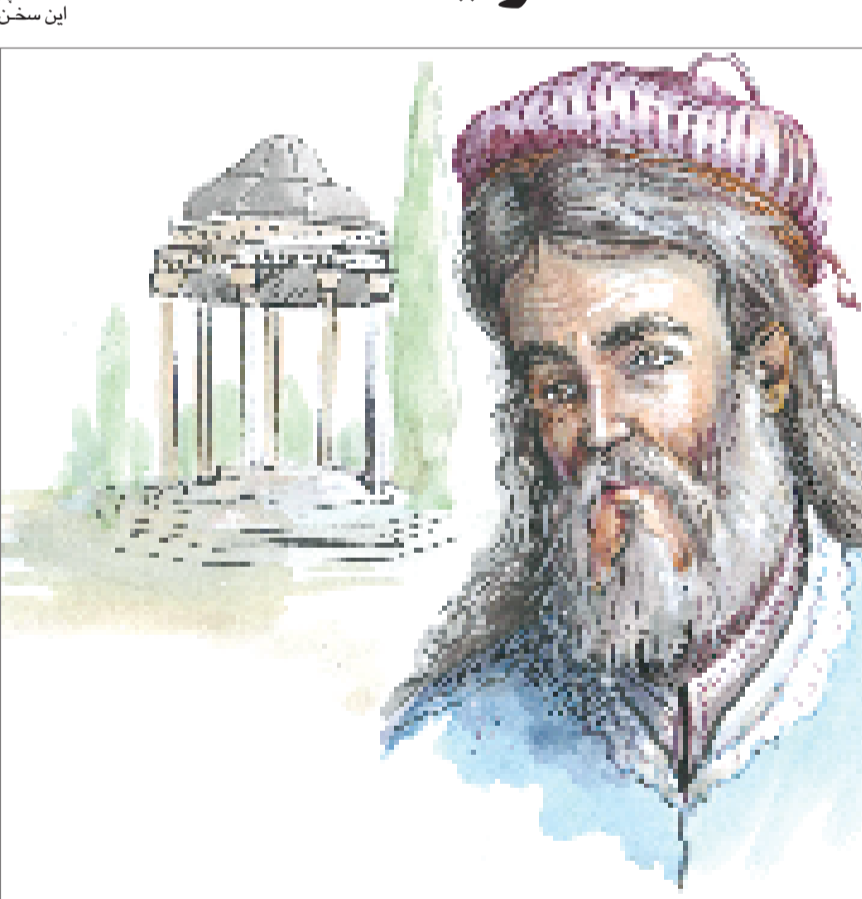
حافظ از جمله غزل سرایانی است که هر چند زندگانی او را هاله ای از ابهام فرا گرفته است، اما تاریخ‌شنه‌هایی از اباحی‌گری و پادشاهی و تغزل میتدل از سیره او به دست نمی‌دهد؛ بلکه...

غزل سرایان بزرگی چون حافظ را رسم بر آن است که در توصیف مششوق و بیان مظاهر جمال او از الفاظ و تعابیر مجازی مدعی می‌جویند و این امر سوطن‌گونه نظران را به ساخت بزرگان عرفان و ادب برانگیخته است . اما کسی که با زبان عرفان در قالب تغزل آشنا باشد، می‌داند که مقصود از می، دختر انگور نیست و سکر عارفان نه به مستی پادشوشان کوچه و بازارماننده است؛ همچنان که سخن از رخ و زلف و چشم و ایوو و قامت سرو، دال بر پری چهرهای از جنس بشر نیست . البته غزل سرایانی هستند که از مایه‌های عرفانی تهی بوده و اشعارشان حمل مقصود امی، همانند شعرای جاهلی عرب و یا خمریات ابونواس در پهنه ابت تازی که آثار او با خمریه این قاریض مصری که اهل عرفان و سیرو و سلوک بوده قابل قیاس نیست . طبعاً محقق در این وادی باید شخصیت شاعر و نیز آثار او را به دیده امعان بنگرد. حافظ از جمله غزل سرایانی است که هر چند زندگانی او را هاله ای از ابهام فرا گرفته است، اما تاریخ‌صحنه‌هایی از اباحی‌گری و پادشاهی و تغزل میتدل از سیره او به دست نمی‌دهد؛ بلکه برجستگی حافظ به علم و ادب و درس‌سحری و محفل انس با قرآن است و به حافظ کلام الله با چهارده روایت مشهور است .

این سویی دیگر غزلیات او از عمق عرفانی و گستره معنوی برخوردار است و دقایق و ظرایف عرفانی را آن چنان به تصویر کشیده که با نگرش نرئیزین، شبیه تغزل مادی از آن برنمی‌خیزد و به تعبیر خود او؛ شعر حافظ همه بیت الغزل معرفت است؛ آفرین برنفس دلکش و لطف‌سنخش. یکی از تعابیری که در غزلیات خواجه شیراز بسیار آمده «زلف است که در این نوشتار با تمسک به ابیاتی از لسان الغیب و با واکوی این واژه می پردازیم، زلف و یا تعابیر مشابه مانند کبیسو، طره و مو در بیان عرفا، حاکی از مظهر تکررات حق تعالی یعنی اسماء و صفات ذات اقدس حق است که در قالب تعینات متجلی شده است . حافظ ویژگیهایی برای زلف برمی‌شمرد که عبارت است از: زیبایی زلف ماهیتاً زیبا و جذاب است و دل می‌ربایست. اسماء و صفات حق تعالی نیز در اوج حسن و جمال است. «وله الاسماء الحسنی» حافظ در مقام تشبیه و تمثیل زلف یار را چون پرتواس در باغ بهشت می‌خواند، زلف‌مشگین تو در گلشن فردوس ندار ، چیست طاروس که به باغ نعیم افتاده است و سزاوار است که این جمال در حلقه شبانه عشاق مدح و ستایش شود .

دوش در حلقه ما قصه کبیسوی تو بود، تا دل شب سخن از سلسله موی تو بود و هر چه در وصف جمال آن گویند کم گفته اند؛ این شرح بی‌نهایت زلف زلف یار گفتند، حرفی است از هزاران کاندز عیارآمد و این تفسیر این آیت قرآنی است . قل لو كان البحر مدادالکلمات لیبی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی در جایی حافظ از زلف دلبر دنیا سخن می‌گوید، اما این زلف علیرغم زیبایی ظاهر چو فریب و دام چیزی نیست ؛ طره شاهد دنیا همه بند است و فریب، عارفان

زلف؛ در غزلیات حافظ



عنايات و تجليات اسما و صفات است که در سراسر عالم پراکنده شده است؛ کار زلف توست مشک افشانی عالم ولی،مصلحت را تهمتی بر ناهق چین بسته اند و آن جا که نسیمی از زلف یار وزد مجال برای عرض اندام ناهق چین تاجرت می‌کند؛ گفته که بوی زلف گمراه عالم کرد،گفتا اگر بدانی هم او ت رهبر آید اما مشعل روی محبوب در این ظلمات هدایت بخش عشاق است و آنان را از کثرت به وحدت سوق می دهد.

کفر زلفش ره دین می زد و آن سنگین دل،در رهش مشعلی از چهره برافروخته بود پس آن سیاهی و طلعتی که از پیش روشتی و هدایت است نیک سواست؛ مفیم زلف تو شد دل که خوش سواد ی بدید، وزان غریب بلاکش خبر نمی آید.خوش بویی،خوش بویی زلف کنایه از گشت و خاک عنبر بوست و عاشقان هم از همین بوی مست

بوی نسیمش جان دهند. تا عاشقان به بوی نسیمش دهند جان بگشود ناهق ای و در آرزو بیست و گاه حافظ چنین نوای نویدمی سر می دهد.

زلف چون عنبرخامش که ببودی هیهات،ای دل خام طمع این سخن از یاد ببر زیرا هر خامی را لیاقت پختن آن در سر نیست ،مگر آن که در کوره عشق و عیاری پخته گردد. خیال زلف تو پختن نه کار هر خامی است که زیر سلسله رفتن طریق عیاری است و عاشق شوریده نری بل به آن دست به دامان باد صبا می یازد . سوختن حافظ و بویی به زلف یار نبرد،مگر دلالت این نولتش صبا بکندن چون یاد صبا سفیر اوست و شاهد برحلقه زلف او؛ حلقه زلفش تماشاخانه یاد سیاست،جان صد صاحب دل آن جا بسته یک مو ببین و با چاگی و ظاهری می تواند بویی از زلف مشکین او برای عشاق به ارمغان آورد.

ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آ، زار و بیچار غم راحت جانی به من آر و دلهای سوخته و سودا زده را از غصه نو نیم کند؛ تا سر زلف تو در دست نسیم افتاده است،دل سودا زده از غصه نو نیم افتاده است لذا حافظ راز خود با او می گوید و سخن زلف یار با او در میان می نهد؛ ای صبا پرس که ما را همه شب تا دم صبح،بوی زلف تو همان مونس جان است که بود و این بوی زلف است که رهنمای عاشق غریب است؛ گرچه دلم که به جایی نبرد راه غریب،من به بوی سر آن زلف پریشان بروم . دام بلا زلف یاد دام بلای عشاق است و چون جذاب است و ریاندید و هیچ مرغ دلی از این کندر رهایی نیابد؛ از دام زلف و دانه خال تو در جهان ، یک مرغ دل نمانده نگشته شکار حسن و همگان در این زلف تو تا گرفتارند .

کس نیست که افتاده آن زلف دو تا نیست،در رهگذری نیست که دامی ز بلا نیست گویند مقصود از زلف دو تا انقسام صفات حق تعالی به ثبوتیه و سلبیه یا جمالیه و جلالیه است و این جمال و جلال است که راه را بر عقلائن می بندد . زلف هزار دل به یکی تار مو بیست،راه هزار چاره گراز چار سو بیست و آن که از این عشق دیوانه می گردد، زنجیری جز زلف معشوق به کارش نیاید . دل دیوانه به زنجیر نمی‌آید بان حلقه ای از خم آن طره طرب یبار لذا زلف دراز او دیوانه نواز است و مجانبین از آن استقبال می کنند.

ای که با سلسله موی دراز آمدهای،فرصت باد که دیوانه نواز آمدهای و گاه حافظ با یاد صبا از فراق این زلف چنین سخن می گوید. عقل دیوانه شد آن سلسله مشکین کد،دل ز ما گوشه گرفت ایروی دلدار کجاست و البته گاه خود را نصیحت می‌کند که پای در دام ننهد . زلف دایم دار راه و غمزه اش تیر بلاست،یاد آر ای دل که چندینت نصیحت می‌کنم و پیش از در افتادن در این دام از اهل سلامت بوده

موسسه حسابداری و امید گامبرون جنوب ثبت (۴۷۶)

***حسابداری حسابر سی * تهیه اظهار نامه مالیاتی و بیمه ای * تهیه صورتهای مالی فارسی و انگلیسی**

*** طراحی سیستم کنترل داخلی * تنظیم گزارشهای مالی جهت بانکها و سایر موسسات مالی و اعتباری –**

***تأمین و آموزش کادر موسسات و شرکته ا * تهیه صورتهای مالی از مدارک ناقص اصلاح حسابها و...**

تلفن تماس :

۰۹۱۷۱۶۳۵۲۵۱ خاکنسار نژاد

E-mail:

omid.gamberoon.jonoob@gmail.com

شرکت خدمات مالی و حسابر سی عصر دانش بندر (سهامی خاص) ثبت ۶۲۵۲ تاناسیس ۱۳۸۲

تلفن تماس :

۰۹۱۷۱۳۶۸۴۴۱۶محمد حسینی

E-mail:

AsrdaneshAP@yahoo.com

تأمین کادر مالی

حسابداری

حسابرسی

تهیه اظهار نامه مالیاتی

اعتبارات و خزانه داری

مشاوره مالیاتی و بیمه ای

اصلاح حسابها و رسیدگی اسناد

عصر دانش بندر